یادداشت

حکمرانی اخلاقی و وفاق ملی

رحیم عبادی
عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان

دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، در یک سال گذشته بارها بر اهمیت وفاق ملی تأکید کرده‌اند. اما به‌راستی وفاق ملی چیست؟ ضرورت و راهکار تحقق آن چگونه است؟ نسبت آن با حکمرانی اخلاقی چه می‌تواند باشد؟ آیا وفاق ملی در شرایط بحرانی کشور یک راه‌حل بنیادی برای حل مسائل اساسی است یا یک دادوستد برای حضور در مسند ریاست‌جمهوری؟

وفاق ملی: ضرورت، موانع و راهکارها در ایران

وفاق ملی یکی از مفاهیم اساسی در اداره و پیشبرد جوامع متنوع و پیچیده است. در کشورهایی مانند ایران که از تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی بالایی برخوردار هستند، ایجاد وفاق ملی به معنای واقعی کلمه یک راهبرد است اما اگر نگاه کوتاه‌مدت بر آن حاکم باشد، چیزی جز یک مسکن برای التیام دردهای مزمن نخواهد بود. این یادداشت به تعریف وفاق ملی، ضرورت آن در ایران، موانع پیش‌رو و در نهایت راهکارهای پیشنهادی می‌پردازد.

تعریف وفاق ملی

وفاق ملی به مفهوم ایجاد درک و همدلی مشترک میان گروه‌های مختلف جامعه است، به گونه‌ای که تمام افراد جامعه درباره اهداف و ارزش‌های کلان ملی متعهد باشند. این مفهوم بر پایه‌های احترام به تفاوت‌ها، عدالت اجتماعی و همبستگی برای دستیابی به آینده‌ای مشترک بنا شده است.

ضرورت وفاق ملی در ایران

۱. انسجام اجتماعی: جامعه ایرانی در دهه‌های گذشته به دلیل برخی سیاست‌ها موجب چندپارگی اجتماعی شده و سرمایه اجتماعی جامعه تنزل یافته است.

۲. تنوع قومی و فرهنگی: ایران به‌عنوان کشوری با بیش از ده‌ها قومیت و زبان، نیازمند وفاق ملی است تا این تنوع به یک فرصت تبدیل شود و از چالش‌های ناشی از اختلافات جلوگیری شود. وفاق ملی می‌تواند به تقویت حس هویت مشترک کمک کند.

۳. چالش‌های اقتصادی و اجتماعی: مشکلات اقتصادی نظیر تورم، بی‌کاری و نابرابری‌های اجتماعی در جامعه ایران از جمله مواردی هستند که بدون همبستگی و مشارکت جمعی نمی‌توان برای آنها راه‌حلی پایدار یافت.

۴. تهدیدهای خارجی: در شرایطی که ایران همواره با تهدیدهای خارجی و تحریم‌ها مواجه بوده است، وفاق ملی می‌تواند عامل تقویت مقاومت و ایستادگی در برابر این چالش‌ها باشد.

۵. توسعه پایدار: جامعه ایرانی به‌شدت نیازمند و محتاج توسعه همه‌جانبه و پایدار است. راه‌حل اساسی برطرف‌کردن ناترازی‌ها و اقدام اساسی برای تسریع در برنامه‌های توسعه ایران است.

موانع و چالش‌های وفاق ملی در ایران

۱. تبعیض و بی‌عدالتی: بی‌عدالتی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یکی از عوامل اصلی ایجاد شکاف بین اقشار مختلف جامعه است. وجود تبعیض در توزیع منابع و فرصت‌ها می‌تواند مانعی جدی برای وفاق ملی باشد.

۲. ضعف در گفت‌وگوی ملی: نبود فضای مناسب برای گفت‌وگو و تعامل بین گروه‌ها و اقشار مختلف باعث تشدید اختلافات و کاهش اعتماد متقابل می‌شود.

۳. رسانه‌ها و گسست اطلاعاتی: رسانه‌ها نقش مهمی در ایجاد یا تضعیف وفاق ملی دارند. انتشار اطلاعات نادرست یا جهت‌دار می‌تواند به شکاف اجتماعی دامن بزند.

۴. تفاوت‌های ایدئولوژیک و سیاسی: اختلاف‌نظرها در مسائل سیاسی و ایدئولوژیک گاهی به سطحی می‌رسد که مانع از دستیابی به فهم مشترک می‌شود.

راهکارها و پیشنهادها برای تحقق وفاق ملی در ایران

۱. ترویج عدالت اجتماعی: ایجاد فرصت‌های برابر در همه زمینه‌ها، از آموزش تا اشتغال، می‌تواند باعث کاهش شکاف‌ها و تقویت همبستگی شود.

۲. تقویت آموزش عمومی: سیستم آموزشی می‌تواند نقش مهمی در افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت وفاق ملی و احترام به تنوع فرهنگی ایفا کند.

۳. ایجاد زمینه گفت‌وگو: فراهم‌کردن فضای مناسب برای گفت‌وگوی ملی و ایجاد پل‌های ارتباطی بین اقشار مختلف جامعه، به تقویت همدلی و درک متقابل کمک می‌کند.

۴. تقویت حس هویت ملی: با استفاده از برنامه‌های فرهنگی، هنری و آموزشی می‌توان حس هویت ملی را در بین اقوام و گروه‌های مختلف تقویت کرد.

۵. نقش نخبگان و راهبران: نخبگان علمی، فرهنگی و سیاسی می‌توانند به‌عنوان واسطه‌هایی برای ایجاد وفاق ملی عمل کنند و دیدگاه‌های مختلف را به هم نزدیک کنند.

۶. اصلاح نظام رسانه‌ای: رسانه‌ها باید به گونه‌ای عمل کنند که اعتماد عمومی را جلب کنند و اطلاعات دقیق و بدون جهت‌گیری ارائه دهند.

۷. تقویت مشارکت سیاسی: ایجاد سازوکارهایی برای مشارکت اقشار مختلف در تصمیم‌گیری‌های کلان ملی می‌تواند باعث افزایش احساس تعلق آنها به جامعه شود.

۸. تقویت احزاب و تشکل‌های سیاسی: احزاب می‌توانند در ایجاد و تقویت وفاق ملی نقش‌آفرین باشند. شایسته‌سالاری، مردم‌سالاری و توانمندسازی جامعه مدنی با تقویت و برجسته‌کردن نقش احزاب می‌تواند محقق شود.

وفاق ملی و حکمرانی اخلاقی

وفاق ملی و حکمرانی اخلاقی ارتباط مستقیم و معناداری با یکدیگر دارند. این دو مفهوم مکمل یکدیگرند و ارتباط آنها را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی کرد: از جمله:

الف) وفاق ملی به‌عنوان نتیجه حکمرانی اخلاقی است. حکمرانی اخلاقی بر پایه اصولی مانند عدالت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و احترام به کرامت انسانی استوار است. اگر دولت‌ها این اصول را در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود رعایت کنند، اعتماد و همبستگی اجتماعی افزایش می‌یابد که نتیجه آن تقویت وفاق ملی است.

ب) حکمرانی اخلاقی، ابزار تقویت وفاق ملی است. در جوامعی که تنوع فرهنگی، مذهبی و قومی وجود دارد، حکمرانی اخلاقی می‌تواند نقش پل ارتباطی را ایفا کند. با پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، می‌توان اختلافات را به فرصتی برای رشد تبدیل کرد و به جای شکاف اجتماعی، حس همبستگی و اتحاد را تقویت کرد.

چالش‌های بی‌توجهی به اخلاق در حکمرانی در نبود حکمرانی اخلاقی، تبعیض، فساد و بی‌عدالتی رواج پیدا می‌کند.

نتیجه‌گیری

وفاق ملی در ایران نه‌تنها یک ضرورت، بلکه یک اولویت است. از سوی دیگر وفاق ملی و حکمرانی اخلاقی دو روی یک سکه هستند. برای دستیابی به یک جامعه متحد و همبسته، رعایت اصول اخلاقی حکمرانی ضروری است؛ بنابراین ارتباط بین این دو نه‌تنها مستقیم، بلکه حیاتی است. امیدواریم نظام حکمرانی به وفاق ملی به‌عنوان یک راهبرد برای حل مسائل اساسی کشور نگاه کند و زمینه را برای تحقق آن فراهم آورد. حضور دکتر پزشکیان یک فرصت تاریخی است. این حضور را باید مغتنم شمرد و اراده ملی برای تحقق آن را فراهم کرد.

آیا جریان وابسته به شوروی قابل دفاع است؟

حسین نوری‌نیا

آقای صالح‌نیک بخت، وکیل دادگستری، در کانال تلگرامی خود یادداشتی با عنوان «مقاومت میراث درایت و تدبیر پیشوا» به مناسبت دوم بهمن منتشر کرد: هفتادوهشتمین سالروز اعلام جمهوری مهاباد- به ستایش از قاضی محمد و اعلام جمهوری مهاباد پرداخته است. او در این یادداشت با اشاراتی غیرحرفه‌ای و برخی خطاهای آشکار تاریخی و به دور از واقعیت اجتماعی و فرهنگی و نادیده‌گرفتن مناسبات اجتماعی آن دوران در مناطق کردنشین ایران و چشم‌بستن بر اسناد و مدارک متقن تاریخی، تلاش کرده قاضی محمد را رهبر و پیشوای کردهای ایران خطاب کند. صالح نیک‌بخت در این نوشته مدعی است «با ورود نیروی محدودی از جانب دو کشور شوروی و انگلیس، ارتش شاهنشاهی... از هم پاشید» و کشور دچار بی‌نظمی شد و «امنیت جان و مال مردم در خطر جدی قرار گرفت». در این شرایط که «مردم مناطق کردنشین که در دوران دیکتاتوری سیاه رضاخانی بر اثر فشار و ستم امنیه و نظمیه به ستوه آمده بودند» برای مقابله با هرج‌ومرج، در مهاباد «جمعیت احیای کردستان» کومله «ژ کاف» را تشکیل دادند. اما از آنجا که چند سال بعد فرقه دموکرات آذربایجان تشکیل شد، قاضی محمد برای جلوگیری از الحاق کومله «ژ کاف» به فرقه دموکرات آذربایجان با نظر اعضای «ژ-ک» تصمیم بر انحلال «جمعیت» و «تشکیل حزب دموکرات کردستان در مرداد ۱۳۲۵ گرفت و در دوم بهمن این سال [یعنی ۱۳۲۵] تشکیل جمهوری کردستان را اعلام کرد تا استقلال خود را از فرقه دموکرات و آذربایجان شوروی اثبات کند». او آورده است این جمهوری «۱۰ ماه و چند روز تا آذرماه ۱۳۲۶ در قدرت بود» و در دهم فروردین ۱۳۲۷ قاضی محمد پس از محاکمه نظامی اعدام شد. نیک‌بخت در پایان یادداشت خود مدعی است «گروهی از دولتمردان وطن‌دوست ایران... تلاش کردند با نوشتن نامه‌ای با امضای معتمدان مهاباد و منطقه مکریان از محمدرضا شاه درخواست کنند قاضی و همراهان را عفو کند... ولی اشخاص بدذات و نوکرصفت نزد شاه سعایت کردند و مانع تحقق این اقدام شدند». در نوشته آقای نیک‌بخت بارها خطاهای تاریخی روشن و نیز القاهای ضد ایرانی خودنمایی می‌کند:

۱- ایشان بی‌توجه به منابع تاریخی و مستند ازجمله اسناد آرشیوی حزب کمونیست شوروی که بخشی از آن از سوی مراکز مطالعاتی بین‌المللی منتشر و بخش‌هایی از آن نیز از طرف پژوهشگران نام‌آوری مانند استاد کاوه بیات و استاد عباس جوادی به زبان فارسی ترجمه شده و گویا براساس افواه و شنیده‌ها یا نوشته‌های حزبی مطالب خود را قلمی کرده است. براساس این اسناد کاملا مشخص است که شخص استالین با هدف کسب امتیاز نفت شمال ایران در ماه‌های آخر اشغال ایران در سال ۱۳۲۴ (چهار سال پس از اشغال ایران و اواخر جنگ جهانی دوم) دستور تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان و حزب دموکرات کردستان ایران را صادر کرد. اگر جناب نیک‌بخت از این اسناد بی‌خبر هستند، توصیه می‌کنم حتما آنها را مطالعه کنند و اگر خبر دارند و در این نوشته نقش شوروی را در تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان و حزب دموکرات کردستان نادیده گرفته‌اند، کاری غیرعلمی از نظر بی‌توجهی به اسناد موجود و نیز کاری غیراخلاقی از نظر چشم‌بستن بر واقعیت و انحراف افکار عمومی انجام داده است.

۲- یادداشت ایشان به نحوی تنظیم شده که گویی با سقوط حکومت پهلوی اول با آغاز جنگ جهانی دوم و بروز هرج‌ومرج در نقاط مختلف کشور، «ژ کاف» در همان سال برای ایجاد نظم شکل گرفت. درصورتی‌که «ژ کاف» یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۲۱ و با حضور تعدادی از اعضای حزب هیوا از کردهای عراق - نه به صورت خودجوش و برآمده از اراده مردم مهاباد- بدون حضور و نقش‌آفرینی قاضی محمد فعالیتش را شروع کرد. ماه‌های بعد که خبر تشکیل «ژ کاف» به مسئولان کشور رسید، وزارت کشور از فرمانداری مهاباد درباره «فعالیت‌های مضره» پرسش کرد. فرماندار وقت در پاسخ تصریح کرد که با حضور خانواده قاضی‌ها به‌عنوان اشخاصی «دولت‌خواه» - قاضی محمد، صدر قاضی و سیف قاضی- چنین امکانی در مهاباد وجود ندارد. فرماندار در این گزارش تاریخی افزود، چندی پیش شخصی در خیابان صحبت‌هایی درباره کردستان طرح کرد که با اعتراض صدر قاضی مواجه شد. علاوه بر اینکه صدر قاضی او را مورد ضرب‌وشتم قرار داد. از یاد نبریم که در آن زمان مناطق شمالی ایران، آذربایجان شرقی و غربی و شمال کردستان و برخی از مناطق گیلان تحت اشغال ارتش سرخ شوروی بود و جمعیت «ژ کاف» تحت حمایت آنها قرار داشت.

۳- جناب صالح نیک‌بخت به‌درستی اشاره کرده‌اند که فرقه دموکرات آذربایجان پیش از حزب دموکرات کردستان شکل گرفته بود. این نکته مهمی است اما ایشان دقت نکرده‌اند که فرقه دموکرات آذربایجان در ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ درست چند ماه پس از دستور استالین شکل گرفت و حزب دموکرات کردستان با انحلال کومله «ژ کاف» در اواخر شهریور ماه ۱۳۲۴ و پس از سفر دوم قاضی محمد به باکو و ملاقات با میرجعفر باقراوف اعلام موجودیت کرد، بنابراین از یک سو شکل‌گیری این دو فرقه -که پس از سفر رهبران آنها به باکو و دریافت دستورالعمل‌های لازم شکل گرفتند- دارای نقطه عطف مشترک است و از سوی دیگر، با حضور قاضی محمد در باکو و گرفتن دستور، ادعای آقای نیک‌بخت مبنی بر استقلال حزب دموکرات کردستان از حزب کمونیست شوروی و آذربایجان شوروی به‌راحتی دود می‌شود و به هوا می‌رود.

۴- آقای نیک‌بخت در ادامه، خطاهای فاحش تاریخی دیگری نیز مرتکب شده است. احتمالا به دلیل ناآشنایی دقیق با تحولات تاریخی آن دهه، همه تاریخ‌های ذکرشده در یادداشت ایشان اشتباه است. فرقه دموکرات آذربایجان در ۱۳۲۴ تأسیس شد، نه ۱۳۲۵؛ حزب دموکرات کردستان نیز در شهریور ماه ۱۳۲۴ تأسیس شد. جمهوری مهاباد در ۲ بهمن ۱۳۲۴ حدود ۴۰ روز پس از آغاز جمهوری آذربایجان پیشه‌وری اعلام موجودیت کرد، نه ۱۳۲۵؛ این جمهوری تا آذرماه ۱۳۲۵ در مهاباد سیطره داشت، نه ۱۳۲۶؛ قاضی محمد در دهم فروردین ۱۳۲۶ اعدام شد، نه ۱۳۲۷. این موارد همگی حکایت از تسلط‌نداشتن ایشان به مباحث مرتبط با این دوره حساس تاریخی دارد.

۵- همدلی صالح نیک‌بخت با تأسیس حزب دموکرات کردستان و قاضی محمد و خطاب‌کردن او به‌عنوان رهبر و پیشوای کردهای ایران، گویی حکایت از علاقه شخصی دارد؛ نوعی علاقه که به تعمیم ناروا انجامیده است. بخش بزرگی از کردهای ایران در آن دوره، قاضی محمد را نمی‌شناختند و بسیاری نیز اقدامات او را ادامه سیاست حزب توده در راستای پیگیری منافع شوروی استالینی می‌دانستند. فراموش نکنیم که فرقه دموکرات آذربایجان با تبدیل کمیته ایالتی حزب توده در تبریز به آن فرقه شکل گرفت و نیز این حزب (توده) در همان ابتدا از حرکت قاضی محمد حمایت جدی و همه‌جانبه کرد. مشخص نیست که آقای نیک‌بخت براساس کدام مطالعات تاریخی و اسناد موجود -به غیر از اسناد حزبی- قاضی محمد را پیشوای کردهای ایران می‌نامد؟ از یک سو، جمهوری قاضی محمد تنها بر بخش‌هایی از منطقه مکریان (مهاباد و بوکان) که زیر چکمه‌های ارتش سرخ استالین بود، سلطه یافت، و از سوی دیگر، او حتی نتوانست بر سردشت و پیرانشهر تسلط پیدا کند. در آن زمان دو شهر مهاباد و بوکان کمتر از ۲۰ هزار نفر جمعیت داشتند. در سنندج که بزرگ‌ترین شهر سنی‌نشین کردهای ایران است، شخصیت‌های ذی‌نفوذی مانند آیت‌الله شیخ محمد مردوخ و آصف و دیگران، قاضی محمد را محکوم کردند و جمهوری او را نپذیرفتند. علاوه بر اینکه، هم در آن تاریخ و هم در دوره‌های بعد، اکثریت کردهای ایران همواره در مقابل جریان‌های تجزیه‌طلب مقاومت کردند و جان‌فشانی‌ها داشتند. تعداد کشته‌شده‌های کرد از حملات احزاب دموکرات و کومله بیش از کشته‌های دیگر نقاط ایران است.

۶- آقای نیک‌بخت به دلیل تسلط‌نداشتن به منابع تاریخی مدعی است که معتمدان مهاباد برای جلوگیری از اعدام قاضی محمد نامه‌ای به محمدرضا شاه نوشتند، درحالی‌که اسناد منتشرشده عکس این را نشان می‌دهد و افراد شاخصی از معتمدان مهاباد در نامه‌های پرشمار و پر امضا خواهان اعدام قاضی‌ها بودند.

۷- ایشان تصریح می‌کند که قاضی محمد «اقدامات شایان توجه فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در جهت تثبیت حقوق مردم» داشت. خوب بود ایشان به این اقدامات به جز آن بخش از فعالیت‌های منتج از دستور مقامات شوروی مانند برگزاری تئاتر یا فعالیت‌های آموزشی اشاره می‌کرد تا دریابیم که آیا خارج از دستورالعمل‌های دولت شوروی که اسناد آن در دسترس است، اقدام دیگری انجام شده است؟ شاید مقصود آقای نیک‌بخت پایه‌گذاری سنتی است که در احزاب چپ کرد ایرانی استمرار یافت؛ مانند کشتن مخالفان و منتقدان. آیا غفور محمودیان از شخصیت‌های معتمد مهاباد و نمازی در مهاباد ترور نشدند و به قتل نرسیدند؟ سنتی که بعدها در ترور مخالفان مانند امام موسی شهریکندی و صدها منتقد دیگر ازجمله نزدیکان کاک احمد مفتی‌زاده و صدها کشته به خاطر درگیری‌های دو حزب دموکرات و کومله ادامه یافت.

۸- آقای خسروپناه یکی از پژوهشگران برجسته در حوزه مطالعات جریان‌های مارکسیست در ایران، در مقاله‌ای با عنوان «از پیشه‌وری ما تا پیشه‌وری دیگران» نشان داده است تا سال ۱۳۲۴ پیشه‌وری شخصیتی ملی‌گرا بود که با هر نوع کرد و ترک‌بازی مخالفت می‌کرد و قوم‌گرایی را بازگرداندن ایران به دوره خان خانی و یکی از اهداف استعمارگران می‌دانست. تا این دوره، پیشه‌وری حتی اگر کمونیست معتقدی هم بود، رویکردی ایران‌گرایانه داشت و آدم ایران بود. اما با سفر به شوروی پس از رد اعتبارنامه‌اش در سال ۱۳۲۲ به مهره شوروی تبدیل شد و با پذیرفتن اداره فرقه دموکرات، در جایگاه پیشه‌وری دیگران نشست. با نگاهی به مقاله خسروپناه، می‌توان نتیجه گرفت ما با دو قاضی محمد مواجه هستیم: نخست آنکه او از خاندانی محترم در مهاباد برخاسته بود. تبار آنها گرجستانی و از مسیحیان مهاجر گرجستان بود که در دوره شاه تهماسب به مکریان در دوره سلطان بوداق کوچ کرده و در مهاباد ساکن شده بودند. پس از آن با خوش‌نامی در این منطقه زیستند و روابط نزدیکی با حکومت داشتند. قاضی محمد به جز نقش مشهودی که در انقلاب مشروطه و ترویج ایده‌های مشروطه‌خواهی و مبارزه با استبداد داشت و بعدها نیز تعدادی از نزدیکانش به دست اسماعیل آقای سیمیکو کشته شدند، یکی از معتمدان رضا شاه به شمار می‌رفت. انتخاب او به ریاست آموزش و معارف مهاباد و سپس جمعیت شیر و خورشید تصادفی نبود. اختصاص بودجه و حقوق فوق‌العاده از طرف دولت و ژاندارمری برای قاضی محمد تا روز آخر زندگی و نیز بخشیدن زمین‌های فراوان به این خانواده از طرف رضا شاه و تبدیل آنها به یکی از زمین‌داران بزرگ منطقه بر اهالی مهاباد پوشیده نیست. اگر عکس سفر رضاشاه به مهاباد را دیده باشید، شخص قاضی محمد چند متر پیشاپیش جمعیت استقبال‌کننده از رضا شاه حضور دارد؛ به عبارتی او مهم‌ترین شخصیت مورد تأیید حکومت رضا شاه در منطقه بود. حتی انتخاب صدر قاضی برای مجلس چهاردهم در سال ۱۳۲۲ به‌واسطه نظر دولت در تهران بود. تا اینجا قاضی محمد، قاضی محمد ما و ایران است. اما پس از سفر او به شوروی و پوشیدن لباس نظامیان ارتش سرخ شوروی نشان داد از دوم بهمن ۱۳۲۴ به قاضی محمد دیگران تبدیل شده است. ای کاش چنین نمی‌شد و قاضی محمد همچنان برای ایران می‌ماند. هاشم شیرازی داماد قاضی محمد گفته بود این شخص شاه نبود که دستور اعدام قاضی محمد را داد، بلکه این نفوذ افسران توده‌ای در ساختار قضائی ارتش بود که عامل اعدام قاضی‌ها بود. آیا واقعا قاضی به واسطه اعمال نفوذ افسران آزاد حزب توده اعدام شد؟ در پایان آقای نیک‌بخت را دعوت می‌کنم با نگاهی علمی و واقع‌بینانه به مباحث قومی در ایران بپردازند. مگر رویکردهای قوم‌گرایانه در ابتدای انقلاب و اقدامات احزاب دموکرات کردستان و کومله موجب کشته‌شدن هزاران نفر از جوانان کشور به‌ویژه جوانان کرد در هر دو سوی ماجرا نشد؟ آیا به جای تمجید از جریانی تجزیه‌طلب، بهتر نبود میراث تجزیه‌طلبی و قوم‌گرایی به محک تجربه تاریخی به نقد و ارزیابی گذاشته می‌شد تا مشخص شود چه هزینه‌های انسانی و توسعه‌ای برای ایران به همراه داشته است؟

یادداشت

سیاست خارجی ولزوم چرخش در آن

ادامه از صفحه اول

...هر لحظه قادرند هزاران تن موشک بالستیک و بمب‌های نقطه‌زن را روی کودکان، غیرنظامیان و شهرها و... بریزند. اکنون ترامپ به شکلی کاملا متکبرانه و مغرورانه سکان اختیار کاخ سفید را در دستان خودش دارد که پشتش به میلیاردرهای ماشینی و ابزاری گرم است. اینجا دیگر فردگرایی و دموکراسی هیچ معنایی ندارد، بلکه پول، قدرت و منافع تعیین‌کننده همه‌چیز است. به راحتی مخالف افزایش مالیات به نفع طبقه ثروتمند هستند و در مقابل، برای جبران کسری بودجه پیشنهاد می‌کند که بودجه تأمین اجتماعی و امکانات رفاهی برای فقرا باید کاهش یابد. در خارج از مرزها، دوستان آمریکا نباید انتظار کمک‌های مالی و حتی دفاعی از پشتیبان اصلی‌شان داشته باشند، بنابراین نباید از مذاکره و معامله با چنین آدمی ترسید. در تجربه‌ای که قبلا از رویارویی با ایشان داشته‌ایم، نباید بگذاریم بار دیگر فشار حداکثری بر ما وارد شود، چون که اقتصاد ما زمینه رشد بالایی را می‌خواهد و این رشد در تقابل با نظام پول و سرمایه به دست نمی‌آید. دراین‌بین اتحاد با روسیه و چین متضمن منافع ملی ما در بعد اقتصادی نیست، به طوری که استحکام روابط با کشورهای منطقه‌ای مانند عربستان، ترکیه، عمان و... بهتر منافع اقتصادی ما را می‌تواند تأمین کند، اکنون که صحبت‌هایی از مقامات اقتصادی کشور مانند گذشته زمزمه می‌شود که در مقابل فشار حداکثری برنامه‌ریزی کرده‌اند و طرح‌هایی برای مقابله داریم، مانند همان صحبتی است که هشت سال است مرتب مطرح می‌شود و حاصل آن ناترازی‌هایی است که تاروپود کشور را در هم پیچیده و توسعه کشور را در هاله از خاموشی فروبرده است. در فروش نفت و انرژی اگر فقط به چین و یک کشور وابستگی داشته باشیم، قطعا متضرر منافع خواهیم شد. اکنون نیاز به بازار وسیعی برای صادرات داریم تا به رشد اقتصادی مورد نیاز کشور دست یابیم. با همین روش کج دار و مریز، اقتصاد شکننده ما روزبه‌روز نحیف خواهد شد. در روابط بین‌الملل، مذاکره جزئی از شیوه ارتباط و گفت‌وگو است که در آن فقط یک طرف ماجرا را نباید دید. هم تدافعی است، هم تهاجمی. بده‌بستان دارد، سیستم جهان بر مبنای آن تعریف شده است، از طرف دیگر البته جای شکر آن باقی است که کشور در دام پهن‌شده جنگ نیفتاده، طرح جنگ و جنگ‌افروزی در منطقه‌ای که به‌شدت شعله‌ور است، فقط به نفع رژیم اسرائیل تمام خواهد شد. فراموش نکنیم که همین جنگ را هشت سال بر ما تحمیل کردند و هزینه‌های انسانی و مادی زیادی بر این کشور وارد شد.

آگهی دعوت به مجمع عمومی به طورفوق العاده شرکت عزم شایان (بامسئولیت محدود) به شماره ثبت ۱۲۱۰۳۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۴۵۵۳۲ بدینوسیله از کلیه شرکای شرکت عزم شایان (بامسئولیت محدود)و یا وکلای قانونی آنان دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی به طور فوق العاده که راس ساعت ۱۴ روز شنبه ۱۴۰۳/۱۱/۲۷ در محل قانونی شرکت به آدرس: ستارخان، خیابان صحرایی، مجتمع خرید آپادانا، واحد ۱۲۵-۵۱ تشکیل می گردد حضور به هم رسانند .
دستور جلسه :۱-نقل و انتقال سهم الشرکه مرحوم منوچهر معتمدی کردستانی ۲-سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد . هیات مدیره

برگ سبز خودرو کوییک مشکی مدل ۱۳۹۰
به شماره پلاک ۳۳۲م۳۵ ایران۲۰
شماره شاسی NAS84110۰K10۰7226
و شماره موتور ۸۷۴۵۴۶۷/M15
به نام **مسعود بیرجندی** باکدملی ۴۴۲۰۱۳۶۴۳۱ درتاریخ ۱۴۰۳/۱/۱ مفقود شده وفاقداعتباراست.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

آگهی دعوت مجمع عمومی موسس انجمن صنفی کارگری مسئولین ایمنی و بهداشت حرفه ای شهرستان اشتهارد
اولین مجمع انجمن صنفی مذکور، روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۳ ساعت ۱۰ صبح در محل سالن آمفی تئاتر ساختمان فن آوری به آدرس شهرک صنعتی اشتهارد، نبش بلوار حافظ شرقی، ساختمان فن آوری کسب و کار، طبقه همکف، کدپستی ۳۷۸۸۱۱۳۳۶۶ برگزار می گردد.
از کلیه کارگران عضو شاغل در صنف مربوطه دعوت می شود در جلسه مذکور شرکت نمایند.
دستور جلسه :۱- تصویب اساسنامه ۲ - انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره و بازرسان ۳ - انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های انجمن
هیئت موسس: ۱- کارن میری ۲- پویا صافی ۳- حنانه نجاری

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول (بطور فوق العاده) شرکت تعاونی مسکن کارکنان مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات مجتمع ۳۶ واحدی و مجتمع ۲۰ واحدی
آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول بطور فوق العاده تعاونی مسکن کارکنان مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات راس ساعت ساعت ۱۰ روز جمعه مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۰ در محل لابی مجتمع (۱-۱) A بلوک ۲ واقع در پردیس، میدان امام خمینی، به سمت خیابان عدالت، رو به روی بانک پارسیان، بلوار تعاون، خیابان نخلستان مجتمع فیزیک برگزار می شود.
لذا از کلیه اعضاء دعوت می شود با در دست داشتن معرفی نامه از شرکت تعاونی راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور بهم رسانند.
دستور جلسه: ۱- گزارش هیئت مدیره و بازرس ۲- طرح و تصویب بودجه مالی ۱۳۹۹/۱۲/۳۰، ۱۴۰۰/۱۲/۳۰، ۱۴۰۱/۱۲/۳۰، ۱۴۰۲/۱۲/۳۰ ۳- طرح و تصویب بودجه مالی ۱۴۰۴ ۴- انتخاب هیئت مدیره و بازرس.
داوطلبان تصدی سمتهای هیئت مدیره و بازرسین موظفند حداکثر ظرف ۵ روز از انتشار آگهی دعوت فرم داوطلبی از بازرسی دریافت و پس از تکمیل تحویل نمایند.
هیئت مدیره

برگ سبز، سند کمپانی، کارت ماشین و کارت سوخت **خودرو سمندایکس۷** رنگ بژ مدل ۱۳۸۳ به شماره پلاک ایران ۱۱-۳۹۶ د۴۹ و شماره موتور ۱۲۴۸۳۰۴۰۰۱۵ و شماره شاسی ۸۳۲۱۲۱۱۵ به نام **محمداسلام آسوده** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت **خودروسواری ساپیا ARIO** رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۱۰-۶۵۴ ق ۷۱ و شماره موتور TNN4G16A/H0020302 و شماره شاسی NAS321200H4907693 به نام **عبدالرحمان میرزا رسول** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی مدرک تحصیلی نوبت سوم
مدرک دانشگاهی (گواهینامه موقت) **اینجانب حسن خوش نظر صوفیانی** فرزند رضا ش.ش ۴۲ صادره شبستر در رشته دامپزشکی در مقطع کاردانی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر به شماره تایید ۸۱۱۹۵۷۰۷۳۴۳ به تاریخ ۱۳۸۴/۱۱/۲۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد، ازیابنده تقاضا میشود آن را به آدرس شبستر، جنب پارک آزادگان، مجتمع دانشگاه آزاد به کدپستی ۵۳۸۱۶۵۱۱۱۲ و شماره تلفن ۴۴۲۵۳۱۱_۰۴۱ ارسال یا تحویل نماید